



مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک کبیل

با همکاری

دانشگاه تهران



المبدأ والمعاد  
للشيخ الرئيس  
أبي علي الحسين بن عبد الله بن سينا  
باهتمام  
عبدالله بن ماني

تهران ۱۳۶۳  
چاپ اول

سلسله دانش ایرانی

۳۶

زیر نظر

مهدی محقق

### انتشارات

مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل

شعبه تهران

با همکاری دانشگاه تهران

صندوق پستی ۳۱/۱۱۳۳

تعداد ۴۰۰۰ نسخه از این کتاب در چاپخانه شرکت افست «سهامی عام» چاپ شد  
چاپ و ترجمه و اقتباس از این کتاب منوط به اجازه مؤسسه مطالعات اسلامی است

قیمت ۶۰۰ ریال

مرکز فروش: کتابفروشی طهوری، مقابل دانشگاه تهران

## سلسله دانش ایرانی

انتشارات مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبه تهران  
با همکاری دانشگاه تهران  
زیر نظر: مهدی محقق

- ۱- شرح غرالفرائد معروف به شرح منظومه حکمت سبزواری، قسمت امور عامه و جوهر و عرض با مقدمه فارسی و انگلیسی، فرهنگ اصطلاحات فلسفی، به اهتمام پروفیسور ایزوتسو و دکتر مهدی محقق. (چاپ شده ۱۳۴۸).
- ۲- تعلیقه میرزا مهدی آشتیانی بر شرح منظومه حکمت سبزواری، به اهتمام دکتر عبدالجواد فلاطوری و دکتر مهدی محقق و مقدمه انگلیسی پروفیسور ایزوتسو (جلد اول، چاپ شده ۱۳۵۲).
- ۳- تعلیقه میرزا مهدی آشتیانی بر شرح منظومه حکمت سبزواری، مقدمه فارسی و فهرست تفصیلی مطالب و تعلیقات، به اهتمام دکتر عبدالجواد فلاطوری و دکتر مهدی محقق (جلد دوم، زیر چاپ).
- ۴- مجموعه سخنرانیها و مقالهها در فلسفه و عرفان اسلامی (بزبانهای فارسی و عربی و فرانسه و انگلیسی)، به اهتمام دکتر مهدی محقق و دکتر هرمان لندلت (چاپ شده ۱۳۵۰).
- ۵- کاشف الاسرار نورالدین اسفراینی بانضمام پاسخ به چند پرسش و رساله در روش سلوک و خلوت نشینی، با ترجمه و مقدمه به زبان فرانسه، به اهتمام دکتر هرمان لندلت (چاپ شده ۱۳۵۸).
- ۶- مرموزات اسدی در زمزمورات داودی، نجم الدین رازی، به اهتمام دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی و مقدمه انگلیسی دکتر هرمان لندلت (چاپ شده ۱۳۵۲).
- ۷- قبسات میرداماد بانضمام شرح حال تفصیلی و خلاصه افکار آن حکیم، به اهتمام دکتر مهدی محقق و دکتر موسوی بهبهانی و ابراهیم دیباجی و پروفیسور

ایزوتسو با مقدمه انگلیسی (جلد اول، متن، چاپ شده ۱۳۵۶).

۸- مجموعه رسائل و مقالات درباره منطق و مباحث الفاظ (بزبانهای فارسی و عربی و فرانسه و انگلیسی) به اهتمام پروفیسور ایزوتسو و دکتر مهدی محقق (چاپ شده ۱۳۵۳).

۹- مجموعه مقالات بزبانهای فارسی و عربی و انگلیسی و فرانسه و آلمانی به افتخار پروفیسور هانری کربن، زیر نظر دکتر سید حسین نصر (چاپ شده ۱۳۵۶).

۱۰- ترجمه انگلیسی شرح غرر الفرائد معروف به شرح منظومه حکمت، قسمت امور عامه و جوهر و عرض، به وسیله پروفیسور ایزوتسو و دکتر مهدی محقق با مقدمه ای در شرح احوال و آثار آن حکیم (چاپ شده در نیویورک ۱۳۵۶ چاپ دوم تهران ۱۳۶۲).

۱۱- طرح کلی متافیزیک اسلامی بر اساس تعلیقه میرزا مهدی آشتیانی بر شرح منظومه حکمت به زبان انگلیسی، تألیف پروفیسور ایزوتسو (آماده چاپ).

۱۲- قبسات میرداماد (جلد دوم). مقدمه فارسی و انگلیسی و فهرست تفصیلی مطالب و تعلیقات و اختلاف نسخ، به اهتمام پروفیسور ایزوتسو و دکتر مهدی محقق و ابراهیم دیباجی و دکتر موسوی بهبهانی (آماده چاپ).

۱۳- افلاطون فی الاسلام، مشتمل بر رساله‌هایی از فارابی و دیگران و تحقیق درباره آنها، به اهتمام دکتر عبدالرحمن بدوی (چاپ شده ۱۳۵۳).

۱۴- فیلسوف ری محمد بن زکریای رازی، تألیف دکتر مهدی محقق، به پیوست سه مقدمه بزبان فارسی و دو مقاله بزبان انگلیسی (چاپ شده ۱۳۵۲).

۱۵- جام جهان‌نمای، ترجمه فارسی کتاب التحصیل بهمنیار بن مرزبان، به اهتمام عبدالله نورانی و محمد تقی دانش پزوه (چاپ شده ۱۳۶۲).

۱۶- جاویدان خرد ابن مسکویه، ترجمه تقی‌الدین محمد شوشتری، با اهتمام دکتر بهروز ثروتیان با مقدمه بزبان فرانسه از پروفیسور محمد ارکون و ترجمه آن از دکتر رضا داوری (چاپ شده ۱۳۵۵).

۱۷- بیست مقاله در مباحث علمی و فلسفی و کلامی و فرق اسلامی، از دکتر مهدی محقق، با مقدمه انگلیسی از پروفیسور ژوزف فان‌اس و ترجمه آن از استاد

احمد آرام (چاپ شده ۱۳۵۵).

۱۸- انوار جلیه، عبدالله زنوزی، به اهتمام سید جلال الدین آشتیانی، بامقدمه انگلیسی از دکتر سید حسین نصر (چاپ شده ۱۳۵۴).

۱۹- الدرّة الفخرّة، عبدالرحمن جامی، به پیوست حواشی مؤلف و شرح عبدالغفور لاری و حکمت عمادیه، به اهتمام دکتر نیکولاهیر و دکتر موسوی بهبهانی و ترجمه مقدمه انگلیسی آن از استاد احمد آرام (۱۳۵۸).

۲۰- دیوان اشعار و رسائل اسیری لاهیجی شارح گلشن راز، به اهتمام دکتر برات زنجانی بامقدمه انگلیسی از خانم نوش آفرین انصاری (چاپ شده ۱۳۵۷)  
۲۱- دیوان ناصر خسرو (جلد اول، متن بانضمام نسخه بدلها) به اهتمام استاد مجتبی مینوی و دکتر مهدی محقق (چاپ شده ۱۳۵۷).

۲۲- شرح فصوص الحکمه منسوب به ابونصر فارابی، از محمد تقی استرآبادی، به اهتمام محمد تقی دانش پڑوه، بادومقاله بزبان فرانسه از خلیل جروسلیمان پینس و ترجمه آن دومقاله از دکتر ابوالقاسم پورحسینی (چاپ شده ۱۳۵۸).

۲۳- رباب نامه، سلطان ولد پسر مولانا جلال الدین رومی، به اهتمام دکتر علی سلطانی گرد فرامرزی بامقدمه انگلیسی (چاپ شده ۱۳۵۹).

۲۴- تلخیص المحصل، خواجه نصیر الدین طوسی بانضمام رسائل و فوائد کلامی از آن حکیم، به اهتمام عبدالله نورانی (چاپ شده ۱۳۵۹).

۲۵- نصوص الخصوص فی ترجمه الفصوص (شرح فصوص الحکم محیی الدین ابن عربی)، رکن الدین شیرازی، به اهتمام دکتر رجعلی مظلومی به پیوست مقاله ای از استاد جلال الدین همائی (چاپ شده ۱۳۵۹).

۲۶- ترجمه شرح بیست و پنج مقدمه ابن میمون از ابو عبدالله محمد بن ابی بکر تبریزی، بوسیله دکتر سید جعفر سجادی، بانضمام متن عربی به اهتمام دکتر مهدی محقق و ترجمه انگلیسی بیست و پنج مقدمه از س. پینس (چاپ شده ۱۳۶۰).

۲۷- شامل فی اصول الدین، امام الحرمین جوینی، به اهتمام پروفیسور ریچارد فرانک و ترجمه مقدمه آن از دکتر جلال مجتبوی (چاپ شده ۱۳۶۰).

- ۲۸- الامدعلی الابد، ابوالحسن عامری نیشابوری، به اهتمام پروفیسور اورت روسن و ترجمه مقدمه آن از دکتر جلال مجتبوی (چاپ شده در بیروت ۱۳۵۷).
- ۲۹- بنیاد حکمت سبزواری، پروفیسور ایزوتسو، تحلیلی تازه و نو از فلسفه حاج ملاهادی سبزواری، ترجمه دکتر جلال مجتبوی با مقدمه‌ای از دکتر مهدی محقق (چاپ شده ۱۳۵۹).
- ۳۰- معالم‌الدین و ملائذالمجتهدین معروف به معالم‌الاصول، شیخ حسن بن شیخ زین‌الدین معروف به شهید ثانی، با مقدمه فارسی و ترجمه چهل حدیث در فضیلت علم باهتمام دکتر مهدی محقق (چاپ شده ۱۳۶۲).
- ۳۱- زادالمسافرین ناصر خسرو (متن فارسی بر اساس نسخه‌ای کهن)، باهتمام پروفیسور ویکنز (آماده چاپ).
- ۳۲- زادالمسافرین ناصر خسرو (ترجمه انگلیسی با مقدمه)، از پروفیسور ویکنز (آماده چاپ).
- ۳۳- شرح قبسات میرداماد، احمد بن زین‌العابدین العلوی معروف به سید احمد علوی، باهتمام دکتر مهدی محقق (آماده چاپ).
- ۳۴- شوارق‌الالهام فی شرح تجریدالکلام، عبدالرزاق لاهیجی، باهتمام دکتر مهدی محقق (زیر چاپ).
- ۳۵- اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، مارتین مکدموت، ترجمه از انگلیسی به فارسی بوسیله استاد احمد آرام (چاپ شده ۱۳۶۳).
- ۳۶- المبدأ و المعاد، شیخ الرئيس ابو علی ابن سینا، به اهتمام استاد عبدالله نورانی (چاپ شده ۱۳۶۳).
- ۳۷- شرح غررالفرائد (چاپ دوم شماره ۱).
- ۳۸- النافع یوم الحشر فی شرح باب الحادی عشر، مقداد بن عبدالله السیوری، بانضمام مفتاح‌الباب، ابوالفتح بن مخدوم الخادم الحسینی العرشاهی، باهتمام دکتر مهدی محقق (زیر چاپ).
- ۳۹- فلسفه علم کلام، ه. ا. ولفسن، ترجمه احمد آرام (آماده چاپ).

# فهرست

## المقالة الاولى

### اثبات المبدأ الاول و وحدانيته و صفاته

- ٢ - الواجب الوجود و الممكن الوجود
- ٢ - واجب الوجود لا يكون بذاته و بغيره معاً
- ٣ - واجب الوجود بغيره ممكن الوجود بذاته
- ٤ - ممكن الوجود يجب وجوده بغيره
- ٥ - لا يكون اثنان يحدث منهما واجب وجود واحد
- ٦ - واجب الوجود بذاته واجب الوجود من جميع جهاته
- ٦ - واجب الوجود عقل و معقول و كذلك كل مجرد
- ١٥ - واجب الوجود بذاته خير محض
- ١١ - واجب الوجود بذاته حق محض
- ١١ - واجب الوجود بذاته تام
- ١٢ - واجب الوجود بذاته واحد
- ١٧ - واجب الوجود عاشق و معشوق
- ١٩ - واجب الوجود كيف يعقل ذاته و الاشياء
- ١٩ - وحدانية الواجب مع علمه و قدرته و حياته
- ٢٢ - اثبات واجب الوجود
- ٢٢ - لا يكون لممكن الوجود علة ممكنة
- ٢٣ - الممكنات لا يكون بعضها علة لبعض
- ٢٣ - التجرد لاثبات الواجب و علة الحوادث

- ٢٤- ١٩- ثبات كل حادث بعلة
- ٢٧- ٢٥- مبادئ الكائنات و العلل المحركة
- ٢٨- ٢١- المتحرك بالارادة متغير الذات
- ٢٩- ٢٢- القوة القسرية و اختلاف أحوال
- ٣١- ٢٣- صفات واجب الوجود
- ٣٣- ٢٤- الدلالة على الطريق المعتاد والمستأنف
- ٣٤- ٢٥- اثبات المحرك لكل حركة
- ٣٨- ٢٦- اثبات محرك غير متحرك و لا متغير
- ٣٨- ٢٧- اثبات دوام الحركة بقول مجمل
- ٤٥- ٢٨- بيان ذلك بالتفصيل
- ٤٥- ٢٩- مقدمة الى الغرض المذكور
- ٤١- ٣٥- مطلب آخر نافع في ذلك
- ٤٣- ٣١- ان ذلك لم يقع لانتظار وقت
- ٤٤- ٣٢- المبدأ الاول سابق الزمان و الحركة لا بزمان
- ٤٥- ٣٣- لا يجوز أن يكون أول آن
- ٤٦- ٣٤- يلزم المعطلة ان يضعوا وقتاً قبل وقت
- ٤٦- ٣٥- حل مغالطاتهم في تناهي الازل
- ٤٩- ٣٦- حل مغالطاتهم في اثبات التعطيل او ايجاب المساوات
- ٥٥- ٣٧- الحركة مكانية و دوامها بالاتصال لا بالتشافع
- ٥١- ٣٨- الحركة مستديرة لامستقيمة
- ٥٢- ٣٩- الفاعل للحركة نفس و السماء حيوان مطيع لله
- ٥٣- ٤٥- حركة السماء مع أنها نفسانية فكيف طبيعية
- ٥٤- ٤١- المحرك الاقرب للسماويات ليس عقلاً مجرداً
- ٥٧- ٤٢- أي الاجسام مستعدة للحياة

- ۴۳- محرک الفلک لانهاية لقوته و مدبر السماء  
 ۵۷  
 ۴۴- المحرك الاول كيف يحرك و هو على سبيل الشوق  
 ۵۸  
 ۴۵- المحرك الاول للكل مبدأ لجميع الافلاك  
 ۶۱  
 ۴۶- هل اختلاف حرکات السماء لاجل ما تحت السماء  
 ۶۲  
 ۴۷- المشوقات ليست أجساماً و لأنفس أجسام  
 ۶۶  
 ۴۸- حركة الافلاك وضعية و حركة الكواكب مكانية  
 ۶۹  
 ۴۹- الافلاك الداخلة في الحركة الاولى  
 ۷۰  
 ۵۰- النار تتبع الفلک في الحركة الاولى  
 ۷۱  
 ۵۱- اختلاف الاجسام والانفس و العقول  
 ۷۲  
 ۵۲- جرم الكل و نفس الكل و عقل الكل  
 ۷۳

### المقالة الثانية

#### ترتيب فيض الوجود عن أول موجود الى آخر موجود

- ۱ - الموجودات كيف تكون عن الاول و تعريف فعله  
 ۷۵  
 ۲ - معنى الابداع عند الحكماء و عند العامة  
 ۷۷  
 ۳ - المعلول الاول واحد و انه عقل  
 ۷۸  
 ۴ - كيف يكون الثواني عن المعلول الاول  
 ۷۸  
 ۵ - كيفية تكون ما تحت الفلک عن الفلک  
 ۸۳  
 ۶ - كيفية تكون الاسطقسات والعناصر  
 ۸۴  
 ۷ - العناية و التدبير من العلل العالية  
 ۸۴  
 ۸ - مبدأ التدبير للكائنات الارضية والانواع غير المحفوظة  
 ۸۵  
 ۹ - امكان امور نادرة عن النفس مغيرة للطبيعة  
 ۸۶  
 ۱۰- هذا المبدأ كيف يعقل ماهيها و كيف يؤثر  
 ۸۷  
 ۱۱- عناية الصانع و عدله و آثار حكيمته على السماوات و الارض  
 ۸۸

## المقالة الثالثة

### بقاء النفس الانسانية و السعادة الحقيقية و الشقاوة الآخريه

- ٩١ ١ - النظر المختص بالمبدأ و النظر المختص بالمعاد
- ٩١ ٢ - تكون العائدات من العناصر و الابتداء من النباتات
- ٩٣ ٣ - تكوين الحيوانات و قوى النفس الحيوانية
- ٩٤ ٤ - تكون الانسان و قوى نفسه و العقل الهولانى
- ٥ - العقل الهولانى بالقوة عالم عقلى و العقل بالملكة و بالفعل و العقل  
المستفاد
- ٩٧ ٦ - المعقولات لا تحل جسماً بل جوهر قائم بنفسه
- ١٠٠ ٧ - القوة العقلية تنقل المحسوسة الى المعقولة
- ١٠١ ٨ - مراتب تجريدات الصور عن المادة
- ١٠٢ ٩ - العقل لا يعقل بآلة و النفس لا تفسد بفساد الآلة
- ١٠٤ ١٠ - حل الشبهات فى أن النفس الناطقة كمال غير مفارق
- ١٠٥ ١١ - النفس الناطقة سبب للقوى النفسانية
- ١٠٧ ١٢ - النفس الناطقة تحدث مع حدوث البدن
- ١٠٧ ١٣ - منع التناسخ
- ١٠٨ ١٤ - السعادة و العقل النظرى و العملى و الاخلاق الرديه و العدالة
- ١٠٩ ١٥ - السعادة و الشقاوة فى الآخرة
- ١١٤ ١٦ - النبوة و الانبياء يوحى اليهم بالمعقولات بلا تعلم بشرى
- ١١٥ ١٧ - الوحى بالمغيبات و الرؤيا الصادقة
- ١١٧ ١٨ - الامور العظيمة يراها و يسمعها الانبياء و هى محجوبة عن احساسنا
- ١١٩ ١٩ - ان الممرورين كيف يخبرون عن المغيبات
- ١١٩ ٢٠ - المعجزات و الكرامات المختصة بالانبياء

## الفهرس العام

السعداء: ٩٥	ابن سينا: ١
السماع الطبيعى: ٥٤-٢٦	ابو محمد الفارسى: ١
الشرايع: ٨٩	الاسكندر: ٤٨-٤٩
الصبيان: ٨٩	اشرف الانبياء: ٩١
صبيان العقول: ٨٩	افلاطون: ٦٦
طبيب: ٦٨	الانبياء: ٩٥-٩٤
الطبيعيات: ٨٥	الانفس الجاهلة: ٨٩
العقلاء: ٩٥	الاورائل: ٥٦-٧١
العنين: ٨٨	اهل الدنيا: ٨٩
الفلاسفة: ٥٧	اهل الشقاوة: ٩٥
الفيلسوف: ٢٣-٢٦-٤٧-٤٨	اهل العلم: ٤٨-٦٦
٥٣-٥٤-٦٦	اهل المعمورة: ٧٥
كتب المنطق: ٤٧-٧٦	البدنيون: ٨٩
كتبنا المنطقية: ١٨	بطلميوس: ٤٨-٥٣
مبادئ الكل: ٤٨	بعض اهل العلم: ٨٩
المبدأ والمعاد: ١	بوليموس: ٨٩
محمد: ١	تلخيص الحس والمحسوس: ٨٥
محمد بن الهياج: ١٢١	تلخيص السماء والعالم: ٢٨
مدركى العقول: ٨٩	تلخيص السماع الطبيعى: ٢٩
المدركين: ٨٩	تلخيص النفس: ٨٥
المشائين: ١-٤٨	ثامسطيوس: ٤٨
الملائكة: ٨١	جارية: ٦٨
ملك من السامانيين: ٦٦	الحكماء: ٦٥
الممرورين: ٩٢-٩٣	ربان السفينة: ٨٣-٨٤
المنطقين: ١٨	الروحانيين: ٨٨
الناس: ٩٥	الرياضيات: ٥٣
النبي: ٩٢-٩٣-٩٤	السامانيين: ٦٦
النفس: ٢٣	المعطلة: ٣٤-٣٦

بسم الله الرحمن الرحيم

## تصدير

ان ابن سينا المولود في ٣٧٥ والمتوفى في ٤٢٨. هـ. قد حظى بمواهب الهية من صحة في الجسم و ذكاء نادر و ذاكرة قوية و عقل خصب و جلد منقطع النظر على العمل و بدت ملامح ذلك في سن مبكرة و استكمل ثقافته اللغوية والدينية والعقيلة ولما يجاوز العاشرة ووصل الى مرتبة النبوغ والتخصص ولما يناهز العشرين فصار حجة في الطب والفلك والرياضة والفلسفة و بقي منه إنتاج متنوع غزير قل ان يتوفر لمثله مع مالاقي من عنت و اضطراب فخلف لنا ما يزيد على مائتي مؤلف بين طويل و متوسط و مختصر وأخذ وتأثر فيها بالفكر الاسلامي واليوناني وثقافة الفرس والهند والسرمان وافرغها في قالب فلسفته الخاصة فصارت فلسفة مشائية ذات طابع خاص فهو مفكر عالمي يرتفع عن حدود الزمان و المكان و فلسفته هي الفلسفة الاسلامية منذ القرن الخامس الى هذا القرن فكانت تدرس بانتظام في البلدان الاسلامية و غير الاسلامية.

ان فلسفة ابن سينا مادة غزيرة مستقاة من منابع متنوعة، فقد أخذ ما وصل اليه من اليونانيين، والمشائية واثولوجيا، المنسوب الى أرسطو على زعم فلاسفة المسلمين، والحقيقة أنه مقتطفات من تساعيات أفلوطين، وماقرأ من شراح أرسطو الاسكندرانيين وكتب الأوائل وماناله بما هو مسلم من مباحث اسلامية من اثبات وجود البادى وعدله وابداعه الكائنات وحكمته في ارسال الأنبياء وتشريع الديانة وختم النبوة والاستخلاف للنبي وأنه بالنص أصوب و وضع الأحكام للناس في عباداتهم. و معاملاتهم و سياساتهم، و ذكر امكان الكرامات والمعجزات و بقاء النفس والسعادة والشقاوة الآخريه والثواب والعقاب في المعاد الجسماني والروحاني.

ومما أورثنا ابن سينا كتاب المبدأ والمعاد الذي هو بين يديك. ولا حاجة الى

اثبات ان هذا من تأليفه واملائه فتلميذه الجوزجاني ذكر ذلك في سيرة الشيخ الرئيس، وهو شاهد على ذلك. قال: «كان بجرجان رجل يقال له أبو محمد الشيرازي يحب هذه العلوم، وقد اشترى للشيخ داراً في جواره و أنزله فيها، وكنت أنا أختلف اليه كل يوم، فأقرأ المجسطي وأستلمى المنطق، فأملئ على المختصر الأوسط، و صنف لأبي محمد الشيرازي كتاب المبدأ والمعاد و كتاب الأرصاء الكلية». ولم توضع نسبة الكتاب الى مؤلفه موضع الشك بحال، وفوق هذا فالكتاب سينوي في أسلوبه وموضوعه، فأسلوبه هو ذلك الأسلوب الذي الفناه عام من الشيخ الرئيس، وموضوعه ما يمكن أن نسميه فلسفة ابن سينا في اوسع معانيها، تلك الفلسفة التي عالجتها مؤلفات ابن سينا الأخرى، كالشفاء والنجاة والحكمة العرشية والفيض الالهي والارزاق في العدل الالهي و عيون الحكمة والهداية و الاشارات و رسائله في النفس وأجوبته لمسائل كانت ترد عليه.

و لقد أتى ابن سينا في المبدأ والمعاد بايجاز ما فصله بعده في كتبه الأخرى ولا سيما في الهيات الشفاء والنجاة، فكثير من ابوابها متناظرة و متطابقة جزء او جلاً. والذي جاء فيه في بيان العقل الفعال والحدس والتعلم وخواص النبوات قد شرحه بعد ذلك في علم النفس من طبيعيات الشفاء. و رتبته في ثلاث مقالات و بحث في الأولى عن اثبات المبدأ الأول للكل و وحدانيته والصفات التي تليق بجنابه، و في الثانية عن ترتيب فيض الوجود عنه والعقول والنفوس والعناية والعدل و آثار حكمته، و في الثالثة عن الدلالة على بقاء النفس والنبوة و أن الأنبياء كيف يوحى اليهم بالمعقولات بلاتعلم بشري والكرامات والمعجزات المختصة بهم.

وقد بقي من المبدأ والمعاد أكثر من عشرين نسخة في مكتبات العالم و ذكرها كل من قنواتي في مؤلفات ابن سينا و مهدوي في فهرست نسخههاى مصنفاً ابن سينا و رأينا كثيراً منها او صورها و أفلامها في مكتبات ايران و المكتبة المركزية بجامعة طهران، و بعد ما قابلنا وقارناها استقر الرأى على أن جعلنا مخطوط احمد الثالث، رقم ٣٢٢٧، المورخ سنة ٥٨٥ هـ، أساساً في التحقيق؛ والمستفاد من

مخطوطات آستان قدس رضوى، رقم ٩٧١ حكمت، من القرن الثامن، ونور عثمانية، رقم ٣٨٩٤، وضع بين معقوقين و روجع الى سائر المخطوطات كمؤيدات فى القراءة والاعداد و تثبيت النص و أتعبنا أنفسنا فى ذلك وأرحنا كل قارى كريم.

و كنا قد كتبنا مقدمة فى أحوال ابن سينا و ذكر تصانيفه و بيان آرائه الفلسفية والدينية و مقارنة ماجاء فى هذا الكتاب بما فى غيره من مؤلفاته و الآن روماً للاختصار نؤخر طبع ما نريد الى يوم أن نقدم لكتبه و رسائله فى الالهيات بعون الله تعالى.

طهران، ٢٦ / ٩ / ١٣٤٢، عبدالله نورانى

## بسم الله الرحمن الرحيم

كتاب المبدأ والمعاد، له، صنفه للشيخ ابي محمد بن ابراهيم الفارسي الحمد لله رب العالمين و صلواته على نبيه سيدنا محمد وآله الطاهرين اجمعين. قال الشيخ الرئيس ابو علي الحسين بن عبدالله بن سينا:

و بعد، فإني أريد أن أدلّ في هذه المقالة على حقيقة ما عند المشائين المحصّلين من حال المبدأ والمعاد. فيتضمّن مقالتي هذه ثمّرتي علمين كبيرين، أحدهما الموسوم بأنّه في ما بعد الطبيعة، والثاني العلم الموسوم بأنّه في الطبيعيات؛ فإنّ ثمرة العلم الذي هو في ما بعد الطبيعة هو القسم المعروف منه بـ «اثولوجيا» و هو في «الربويّة» والمبدأ الأوّل، و نسبة الموجودات على ترتيبها إليه. و ثمرة العلم الذي في الطبيعيات هو معرفة بقاء النفس الانسانية و أنّها ذات معاد.

و قسمتُ هذا الكتاب إلى مقالات ثلاث: المقالة الاولى في إثبات المبدأ الأوّل للكلّ و وحدانيّته و تعديد الصفات التي تليق به. المقالة الثانية في الدلالة على ترتيب فيض الوجود عن وجوده مبتدئاً عن أوّل موجود عنه إلى آخر الموجودات بعده. المقالة الثالثة في الدلالة على بقاء النفس الانسانية و السعادة الحقيقية الآخريّة و التي هي سعادة ما و غير حقيقة و الشقاوة الحقيقية الآخريّة و التي هي شقاوة ما و غير حقيقة.

و أتحرّى في هذه المقالات أن أوضح ما أغلقوا، و أعلن ما استروا و كتموا، و أجمع ما فرّقوا، و أبسط ما أجملوا بمقدار الوسع القاصر الذي لمثلي، ممّن منى بانقراض زمان العلماء، و انصراف الهمم الى أغراض شتّى عن الحكيم، و تسلط المقت على من تعاطى من الحقيقة طرفاً؛ ثمّ كلال الحدّ و انفلال الغرب من خاطر الممتحنين بمثل محتني و المدفوعين إلى ما دُفعتُ إليه من نوابب الزمان، والله المستعان، و به الحول و القوّة.

## المقالة الأولى

[فى اثبات المبدأ الأوّل للكلّ و وحدانيّته و تعديد الصفات التى تليق به]

### [فصل ١]

فى تعريف الواجب الوجود والممكن الوجود

إنّ الواجب الوجود هو الموجود الذى متى فُرض غير موجودٍ عَرَضَ مِنْهُ مُحالٌ؛ و إنّ الممكن الوجود هو الذى متى فُرض غير موجودٍ او موجوداً لم يَعْرِضْ مِنْهُ مُحالٌ.

فالواجب الوجود هو الضرورى، والممكن الوجود هو الذى لا ضرورةً فيه بوجه، اى لا فى وجوده ولا فى عدمه. وهذا هو الذى نغنيه فى هذا الموضع بممكن الوجود. و إن كان قد يُعنى بممكن الوجود ما هو فى القوّة، و يقال الممكن على كلّ صحيح الوجود، وقد فُصّل ذلك فى المنطق.

ثمّ إنّ الواجب الوجود قد يكون بذاته وقد يكون لا بذاته؛ والذى هو واجب الوجود بذاته فهو الذى لذاته، لا لشيءٍ آخر، أى شيءٍ كان، صار محالاً فرض عدمه؛ و إنّ الواجب الوجود لا بذاته هو الذى، لوضع شيء ما ليس هو، صار واجب الوجود؛ مثل أنّ الأربعة واجبة الوجود لا بذاتها؛ ولكن عند فرض اثنين واثنين؛ والاحتراق والاحراق واجب الوجود لا بذاته، ولكن عند فرض التقاء القوّة الفاعلة بالطبع والقوّة المنفعله بالطبع، أعنى المحرقة والمحرقة.

### [فصل ٢]

فى أنّ واجب الوجود لا يكون بذاته و بغيره معاً

ولا يجوز أن يكون شيء واحد واجب الوجود بذاته و بغيره معاً، فأنه إن رفع غيره ذاك اولم يعتبر وجوده لم يخل: إمّا أن يبقى وجوب وجوده على حاله، فلا يكون وجوب وجوده بغيره؛ و إمّا أن لا يبقى وجوب وجوده على حاله، فلا يكون وجوب وجوده بذاته.

## [فصل ٣]

فى أنّ واجب الوجود بغيره ممكن الوجود بذاته  
وكل ما هو واجب الوجود بغيره فانه ممكن الوجود بذاته، لأن ما هو  
واجب الوجود بغيره فوجوب وجوده تابع لنسبة ما وإضافة؛ والنسبة والإضافة  
اعتبارهما غير اعتبار نفس ذات الشيء الذى له نسبة وإضافة، ثم وجوب الوجود  
إنما يتقرر باعتبار هذه النسبة.

فاعتبار الذات وحدها لا يخلو: إما أن يكون مقتضياً لوجوب الوجود، او  
مقتضياً لا مكان الوجود، او مقتضياً لامتناع الوجود. ولا يجوز أن يكون مقتضياً  
لامتناع الوجود، لأن كل ما امتنع وجوده بذاته لم يوجد، ولا بغيره، ولا أن يكون  
مقتضياً لوجوب الوجود، فقد قلنا: إن ما وجب وجوده بذاته استحاله وجوب  
وجوده بغيره.

فبقى أن يكون باعتبار ذاته ممكن الوجود، وباعتبار ارتفاع النسبة الى  
ذلك الغير واجب الوجود، وباعتبار قطع النسبة التى الى ذلك الغير ممتنع  
الوجود، وذاته بذاته بلا شرط ممكنة الوجود، فقد بان أن كل واجب الوجود  
بغيره فهو ممكن الوجود بذاته.

## [فصل ٤]

فى أنّ ممكن الوجود بذاته إما يوجد بأن يجب وجوده بغيره  
وهذا ينعكس فيكون كل ممكن الوجود بذاته فانه إن حصل وجوده كان  
واجب الوجود بغيره، لأنه لا يخلو: إما أن يصح له وجود بالفعل وإما أن لا يصح له  
وجود بالفعل؛ ومحال أن لا يصح له وجود بالفعل، وإلا كان ممتنع الوجود، فبقى  
أن يصح له وجود بالفعل. فحينئذ إما أن يجب وجوده وإما أن لا يجب وجوده؛ فان  
لم يجب وجوده فهو بعد ممكن الوجود لم يتميز وجوده عن عدمه.  
ولا فرق بين هذه الحالة منه والحالة الأولى، لأنه قد كان قبل الوجود

ممکن الوجود، والآن هو بحاله كما كان.  
فان وُضِعَ أنَّ حالاً تجددت فان السؤال عن تلك الحال ثابت: أنه ممكن الوجود او واجب الوجود؟ فان كان ممكن الوجود فان تلك الحال كانت قبل أيضاً موجودةً على إمكانها، فلم تتجدد؛ وإن وجب وجودها وهي موجبة للأول فقد وجب لهذا الأول وجود حاله، وليست تلك الحال إلا خروجاً إلى الوجود، فخروجه إلى الوجود واجب.

و أيضاً فان كل ممكن الوجود فاما أن يكون وجوده بذاته او يكون بسبب ما؛ فان كان بذاته فذاته واجبة الوجود، لا ممكنة الوجود، وإن كان بسبب، فاما أن يجب وجوده مع وجود السبب، وإما أن يبقى على ما كان عليه قبل وجود السبب، وهذا محال؛ او لم يوجد السبب، وهذا محال، فيجب إذاً أن يجب وجوده مع وجود السبب، فكل ما كان ممكن الوجود بذاته فهو إما يكون واجب الوجود بغيره.

### [فصل ٥]

في أنه لا يجوز أن يكون إثنان يحدث منهما واجب وجود واحد، ولا كل واحد منهما واجب الوجود بالآخر، ولا في واجب الوجود كثرة بوجه من الوجوه ولا يجوز أن يكون شيان إثنان ليس هذا هو ذاك ولا ذاك هذا، وكل واحد منهما واجب الوجود بذاته وبالآخر، فقد بينا أن واجب الوجود بذاته لا يكون واجب الوجود بغيره.

ولا يجوز أيضاً أن يكون كل واحد منهما واجب الوجود بالآخر، حتى يكون «ا» واجب الوجود بـ «ب» لا بذاته و «ب» واجب الوجود بـ «ا» لا بذاته، و جملتهما واجب وجود واحد؛ وذلك لأن اعتبارهما ذاتين غير اعتبارهما متضائفين. و لكل واحد منهما وجوب وجود لا بذاته فكل واحد منهما ممكن الوجود بذاته، و لكل ممكن الوجود بذاته علة في وجوده أقدم منه، لأن كل علة أقدم في وجوب الذات من المعلول، وإن لم يكن في الزمان؛ فلكل واحد منهما

شيء آخر يقرن به أقدم من ذاته، وليس ذات أحدهما أقدم من ذات الآخر على ما وصفنا؛ فلهما إذاً عللٌ خارجةٌ عنهما أقدم منهما. فليس إذاً وجوبٌ وجود كل واحدٍ منهما مستفاداً من الآخر، بل من العلة الخارجة التي أوقعت العلاقة بينهما.

وأيضاً فإن ما يجب وجوده بغيره فوجوده متوقف على وجود ذلك الغير و متأخر عنه بالذات. ثم من المستحيل أن تتوقف ذات في أن توجد على ذات تُوجدُ بها، فكأنها متوقفة في الوجود على وجود نفسها. فان كان وجود نفسها يكون لها بذاتها فهي غنية عن الغير، وإن كان لا يكون حتى يكون غير لا يكون إلا بعد وجودها، فوجودها متوقف على أمر بعد وجودها بالذات، فوجودها محال.

و نقول أيضاً: إن واجب الوجود لا يجوز أن يكون لذاته مبادٍ تجتمع فيتقومُ بها واجب الوجود، لا أجزاء كمية ولا أجزاء حدّ و قولٍ ، سواء كانت كالمادة والصورة او كانت على وجه آخر، بأن يكون أجزاء القول الشارح لمعنى اسمه يدل كل واحد منهما على شيء هو في الوجود غير الآخر بذاته. وذلك لأن كل ما هذه صفته ذات كل جزء منه ليس هو ذات الآخر ولا ذات المجتمع، فإما أن يصح لكل واحد منهما وجود مفرد ولا يصح للمجتمع وجود دونها فلا يكون المجتمع واجب الوجود؛ او يصح ذلك لبعضها، ولكنه لا يصح للمجتمع وجود دونه؛ فإما يصح له من المجتمع والأجزاء الأخرى فليس بواجب الوجود، بل واجب الوجود هو الذي يصح له.

و إن كان لا تصح لتلك الأجزاء مفارقة الجملة في الوجود، ولا للجملة مفارقة الأجزاء وتعلق وجود كل واحد بالآخر، وليس واحد بالذات أقدم، فليس شيء منها بواجب الوجود؛ فقد أوضحنا هنا على أن الأجزاء بالذات أقدم من الكل، فتكون العلة الموجبة للوجود تُوجب الأجزاء أولاً، ثم الكل، فلا يكون شيء منها واجب الوجود.

وليس يمكننا أن نقول: إن الكل أقدم بالذات من الأجزاء، فهو إما متأخر،

و إما معاً؛ و كيف كان فليس بواجب الوجود.  
فقد أتضح من هذا أن واجب الوجود ليس بجسم، ولا مادّة جسم، ولا صورة جسم، ولا مادّة معقولة لصورة معقولة، ولا صورة معقولة في مادّة معقولة، ولا له قسمة، لا في الكم، ولا في المبادى، ولا في القول؛ فهو واحد من هذه الجهات الثلاث.

### [فصل ٦]

في أن واجب الوجود بذاته واجب الوجود من جميع جهاته  
و نقول: إن واجب الوجود بذاته واجب الوجود من جميع جهاته، وإلا فإن كان من جهة واجب الوجود و من جهة ممكن الوجود، فكانت تلك الجهة تكون له ولا تكون له؛ ولا يخلو عن ذلك و كل واحد منهما بعلة يتعلّق الأمر بها ضرورة كانت ذاته متعلّقة الوجود بعلى أمرين لا يخلوا منهما، فلم يكن واجب الوجود بذاته مطلقاً، بل مع العلتين، سواء كان أحدهما وجوداً والآخر عدماً، أو كان كلاهما وجودين.

فبين من هذا أن الواجب الوجود لا يتأخّر عن وجوده وجوداً منتظراً، بل كل ما هو ممكن له فهو واجب له، فلا له إرادة منتظرة، ولا له طبيعة منتظرة، ولا علم منتظر، ولا صفة من الصفات التي تكون لذاته منتظرة.

### [فصل ٧]

في أن واجب الوجود معقول الذات و عقل الذات، و بيان أن كلّ صورة لا في مادّة فهي كذلك، و أن العقل والعقل والمعقول واحد  
و نقول أيضاً: إن واجب الوجود معقول الذات غير محسوس الذات البتة، لأنّه ليس بجسم، ولا في مكان، ولا حامل للعوارض التي تحملها الأجسام، ولأنّ ماهيته ليست في مادّة، فماهيته معقولة بالفعل؛ وذلك لأنّنا سنوضح بعد أن الصورة المعقولة لكل ماهية فارقت المادة و فارقت علائق المادة، فان كان ذلك